

شواهد نویافته از پیشینه ورنی بافی در منطقه ارسباران آذربایجان شرقی

مهدی کاظم پور^۱

چکیده

به دلیل ویژگی های جغرافیایی و زیست محیطی منطقه، یکی از مشاغل مهم روستایی و عشایری منطقه ارسباران (در آذربایجان شرقی)، از همان دوران باستان، دست بافت‌هایی از قبیل؛ گلیم، جاجیم و ورنی است. تا قبل از بررسی های باستان شناسی که در سال ۱۳۹۶، توسط نگارنده صورت پذیرفت و منجر به شناسایی گورستانی با سنگ مزارات منقوش به نقوش ورنی و تجهیزات مرتبط با ورنی بافی در روستای آس، آن هم متعلق به دوره صفویه شد، اطلاعات چندانی در خصوص پیشینه ورنی بافی در منطقه ارسباران و تجهیزات مرتبط با ورنی بافی در منطقه وجود نداشت. این یافته جدید، جزو منابع دست اول و ارزشمند، در خصوص پیشینه ورنی بافی و تجهیزات مرتبط با آن در منطقه ارسباران به حساب می آیند که شواهدی از ورنی بافی در دوره صفویه (طبق تاریخ ذکر شده روی سنگ مزارات) را ارائه می دهند. حال این مقاله در نظر دارد با روش توصیفی- تحلیلی، شواهد نویافته از پیشینه ورنی بافی در منطقه ارسباران را ارائه نماید. شیوه گردآوری اطلاعات، میدانی و کتابخانه ای است. براساس این مطالعه مشخص گردید که این گورستان دارای سنگ مزاراتی، منقوش به اشکال و تصاویر مرتبط با شغل شخص متوفی بوده که در میان آنها تصاویر مرتبط با ورنی بافی بر روی قبور زنان در اکثریت قرار دارد. بر روی گورهای متعلق به زنان، دار ورنی، به همراه تجهیزات مرتبط با ورنی بافی از قبیل چاقو، قیچی، شانه، دفه، ابزارهای مرتبط با ریسندگی و پشم به چشم می خورد.

واژگان کلیدی: روستای آس، سنگ مزارات، ورنی بافی، نقوش تزئینی، تجهیزات

مقدمه:

گورستان آس، یکی از نقاط منحصر بفرد در ایران است که سنگ مزاراتی را از دوره ایلخانی و صفویه در دل خود جای داده است و بیش از صد قطعه از سنگ مزارات آن دارای نقوش متنوعی مرتبط با مشاغل آن دوره می باشد. وجود مقبره مادر تیمور لنگ (توپال تیمور) و اعتقاد به مقدس بودن این مقبره باعث شده است تا با دفن مردگان در اطراف آن، گورستان بزرگی در آنجا شکل بگیرد. این گورستان، نمونه ای منحصر بفرد از گورستان دوره اسلامی در ایران است که شواهد عینی و مستقیمی را از مشاغل مردمان دوره صفویه در اختیار محققان قرار می دهد. در این گورستان، پس از دفن هر فرد متوفی یک قطعه سنگ افراشت مستطیلی، در بالای سر قرار داده و نقوش متنوعی را مرتبط با طبقه اجتماعی و شغل فرد روی آن ایجاد کرده اند. این سنگ مزارات در دو دسته کلی با نقوش کتیبه ای و نقوش اشکال مختلف قابل دسته بندی هستند که در نمونه با تزئینات کتیبه ای: شعری از سعدی، آیه الرحمن، نام متوفی نام پدر و تاریخ وفات وی ذکر شده است. در سنگ مزاراتی با نقوش اشکال گوناگون، نقوش مرتبط با مشاغل فرد متوفی بوده که شکارچی، کشاورز، جنگجو، مطرب و ورنی باف جزو این مشاغل بوده اند. در این پژوهش، از میان سنگ مزارات، تعداد ۱۰ عدد سنگ مزاراتی که بیشترین اطلاعات را در خصوص ورنی بافی و تجهیزات مرتبط با آن در دوره صفویه این منطقه را ارائه می دهند انتخاب و پس از مستندسازی ارائه خواهند شد. دو سوال اساسی این پژوهش: سنگ مزارات با نقوش ورنی بافی موجود در گورستان آس به کدام دوره تاریخی تعلق دارند؟ می توان از روی این سنگ مزارات پیشینه ورنی بافی در منطقه را تا قرن دهم هجری به عقب برد و اطلاعاتی را در خصوص تجهیزات مورد استفاده، کسب نمود؟

روش پژوهش:

این پژوهش از نوع هدف، کیفی است و روش انجام آن از نوع توصیفی-تحلیلی است. جهت انجام این پژوهش، در مرحله اولیه براساس مطالعات میدانی، مستندنگاری های لازم از قبیل عکاسی، طراحی و خوانش کتیبه ها و نقوش صورت پذیرفته است. سپس پس از ارائه توصیفات، اطلاعات به روش کتابخانه ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

پیشینه پژوهش:

تدفین در گورهایی با سنگ افراشت ها و سنگ قبرهای عظیم که در اصطلاح باستان شناسی به آن منهیر و دلمن اطلاق می باشد سابقه ای دیرینه در منطقه اهر دارد. از همان دوران قبل از تاریخ و مقارن با هزاره دوم ق.م تدفین در گورهای کلان سنگی با سنگ افراشت هایی که تراش داده شده اند در منطقه وجود داشته است که براساس اولین فعالیت باستان شناختی در منطقه اهر توسط ژاک دموورگان (دمورگان، ۱۳۳۸) این نوع قبور شناسایی شده است. علاوه بر آن طی مطالعات باستان شناسی منطقه توسط هیات باستان شناسی آلمانی در سالهای ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ میلادی در مناطق مختلفی از منطقه اهر،

گورهای کلان سنگی با سنگ افراشت، قلعه های اقماری و سفال های خاکستری و نخودی متعلق به فرهنگ هزاره دوم ق.م. شناسایی شده است (کرول، ۱۳۶۲)^۱. از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ طی بررسی های میدانی و کاوش های باستان شناسی گروه باستان شناسی دانشگاه تهران، به سرپرستی دکتر نیکنامی و کاظم پور منجر به شناسایی سنگ مزارات از دوره پیش از تاریخ در منطقه اهر گردید (کاظم پور و دیگران، ۱۳۹۱). در خصوص سنگ مزارات دوره اسلامی اهر مطالعاتی صورت گرفته است و منحصرأ در مقاله ای با عنوان «سنگ قبرهای روستای آس قدیم» نوشته الوانساز خویی به معرفی سنگ مزارات روستای آس پرداخته شده است (الوانساز خویی، ۱۳۹۰). در خصوص بخش دوم که در رابطه با مطالعات پیشینه و همچنین تجهیزات مرتبط با ورنی بافی منطقه ارسباران هست، می توان به کتب «گلیمها» ی آلستر هال و نیکلاس بارنارد (۱۳۷۹)، «گلیم» آلستر هال و جوزه لوچیک ویووسکا (۱۳۷۷) و پایان نامه «بررسی نقوش ورنی عشایر شاهسون آذربایجان و اردبیل» هاجر میزبان (۱۳۸۲) و مقاله های «نگاهی به ورنی مسند گلیم و جاجیم در آذربایجان شرقی» محمد تقی بافته چی (۱۳۶۴)؛ «شناخت و معرفی ورنی» مقصود جهانی؛ «بررسی صنعت ورنی بافی در ارسباران» مصطفی قربان موحد و حسن بالاگر؛ «باغ هندسی» صونا نوروزی اشاره کرد. یکی از وجه تمایز این پژوهش نسبت به پژوهش های مذکور خوانش نقوش و متون روی سنگ مزارات روستای آس کلبر، در راستای مطالعه تجهیزات مرتبط با ورنی بافی منطقه ارسباران در دوره صوفیه می باشد.

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

روستای آس در ۳۵ کیلومتری جاده اهر-کلبر و بر دامنه شرقی کوه هاس داغی واقع شده است (نقشه ۱). در مورد وجه تسمیه این روستا و ارتباط آن با قوم باستانی آس ها و آلان ها می توان این قوم را با نام آس های آسیای مرکزی مربوط دانست که در ۱۳۰۰ پیش از میلاد در براندختن دولت یونانیان بلخ با دیگر قبایل سکایی همدست بوده اند که احتمالاً نام قاره آسیا از نام آنها اخذ شده ست. بعد از تسلط مغول بر ایران، همچون سایر اراضی کشور، تمام اران، مغان و کوههای قراداغ (ارسباران) ییلاق و قشلاق آنان بوده است. در تاریخ نام روستای «خروانق» از بخش ورزقان اهر به عنوان یکی از مراکز عمده سپاهیگری و نبرد مغولان بیان شده است. اسامی محلی بعضی از روستا ها همچون «مرکید»، «آس»، «آلپاوت» و... که لغات مغولی هستند و بعضی از آثار مانند مقبره ای متعلق به یکی از سرداران مغول در روستای «آس قدیم» در ۳۵ کیلومتری اهر، حاکی از حضور مغولان در این منطقه می باشد (دوستی، ۱۳۷۳، ۹۲). به دلیل ویژگی کوهستانی و ویژگی محیطی مناسب منطقه جهت دامداری، از قدیمی ترین شواهد استقرار در منطقه از دوره مفرغ میانی (نیکنامی و کاظم پور، ۱۳۹۰) تا دوره قاجار، شیوه معیشت در این مناطق متکی بر دامداری و کشاورزی بوده است. در دوره مغول با انتخاب دره رود جغتو و صحرای مغان به عنوان قشلاق، منطقه قره داغ آذربایجان و آلاداغ ارمنستان نیز به عنوان ییلاق انتخاب می گردند (بارتولد، ۱۳۰۸، ۲۶۹-۲۷۰). روستای آس به دلیل

^۱ Kroll

قرارگیری در منطقه ای مناسب جهت دامداری مورد توجه ایلخانان مغول واقع شده و در دوره صفویه در اوج مکتب خود بوده است. گورستان تاریخی این روستا در جبهه شمال شرقی این روستا واقع شده است (نقشه ۲).



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی روستای آس (نگارنده) نقشه ۲: موقعیت گورستان تاریخی آس نسبت به روستای آس (نگارنده)

ورنی بافی

ورنی گلیمی است فرش نما که همچون سایر گلیم ها بصورت ذهنی و بدون نقشه از پیش فراهم شده بوسیله زنان و دختران عشایر مناطق ارسباران و مغان در استان آذربایجان شرقی و ایل شاهسون بافته می شود (دانشگر، ۱۳۷۶، ۵۶۲). نقشمایه های ورنی تصاویری انتزاعی، استیلیزه و هندسی از طبیعتی است که بافنده در زندگی روزمره با آنها روبروست، تصاویری ساده شده از گلها، درختان و حیواناتی که جزء لاینفک زندگی عشایری است. ورنی، دستبافته ای است که از لحاظ تکنیک بافت بین گلیم و قالی قرار می گیرد. بدین صورت که مانند گلیم یا قالی بر روی دار عمودی یا افقی بافته می شود و دارای پود ضخیم است (عرفانی، ۱۳۸۷، ۲۳۴). مواد اولیه آن نخ پنبه ای برای تار و پشم های الوان یا ابریشم برای پود می باشد. ورنی به دلیل عدم استفاده از گرّه در بافت آن، جزو گلیم و از جهت طرح، نقشه و شکل ظاهری آن مشابه قالی به نظر می آید (میزبان، ۱۳۸۲، ۳۵). ورنی ها براساس مواد اولیه مورد استفاده در آنها به انواع زیر تقسیم می شوند: ورنی های پشمی: در این نوع ورنی، چله ها و پود کلفت از پنبه و پود اضافی (زمینه) از نخ خامه رنگ شده حاصل از پشم گوسفندی می باشد. ورنی پشمی ابریشمی: در این نوع ورنی، چله ها و پود کلفت از پنبه و در بافت نقشه، زمینه از پشم و نقوش با ابریشم بافته می شوند. ورنی کف ابریشم: در این نوع ورنی، چله ها و پود کلفت از پنبه و در بافت نقشه، زمینه از ابریشم و نقوش با پشم بافته می شوند و بیشترین رنگ ابریشم در این نوع ورنی رنگ سفید می باشد. ورنی ابریشمی (ابریشم خالص): مواد اولیه استفاده در این نوع ورنی، چله ابریشمی،

پود کلفت پنبه ای، و پود اضافی ابریشمی است. استان آذربایجان با تولید دستبافته هایی بی نظیر، جایگاه ویژه ای را در زمینه تولید مفروش به خود اختصاص داده است. ورنی از جمله مفروش های تخت باف این منطقه است که با نگاره هایی خاص برگرفته از شرایط طبیعی منطقه، فرهنگ بومی، باورها و اعتقادات تولیدکنندگان آن، در طرحها و رنگ های گوناگون بافته می شود. برخی از شهرها و روستاهای آذربایجان، از مراکز عمده قالی بافی با طرح انتزاعی هندسی می باشند که روستاهای اطراف شهرستان اهر از جمله این مراکز به شمار می روند. در دوره های اخیر، مهمترین قالی های اصیل بافت آذربایجان و شمال غربی ایران از مناطق اهر، اردبیل، بخشایش، هریس، قراجه، مشکین شهر، زنجان و تبریز بوده اند (اشنبرنر، ۱۳۷۴، ۱۵۴). از اهر به عنوان یکی از مناطق روستایی باف استان آذربایجان شرقی با استفاده از دارهای عمودی نام برده شده است (بصام و همکاران، ۱۳۸۵، ۱۷). عمده قالی های روستایی این شهرستان که در بازارهای داخلی و خارجی شناخته شده اند، در روستاهای خونیک، چشمه وزان، آریالیق، زندآباد، قورچی کندي، مزرعه حاج عابدین، قلندر، قره قشلاق، قراجه، ققالق و کلهور بافته می شوند. این قالیها با رجشمار ۱۵ تا ۲۲، جزو قالی های درشت باف بوده و با گره متقارن می باشند. خطوطی که طرح و نقش های قالیها را تشکیل می دهند، خطوط مستقیم اند. خط افقی شامل یک ردیف گره است که پهلوی به پهلوی هم بسته می شود و خط عمودی یک ردیف گره است که یکی بالای دیگری بر روی یک جفت تار یا چله بسته می شود و خط اریب که شامل یک ردیف گره است که به تناوب، یکی بالا و یکی در کنار بسته می شود و یک زاویه ۴۵ درجه تشکیل می دهد (ادواردز، ۱۳۶۸؛ عبدی و دیگران، ۱۳۹۴). ورنی عموماً در مناطق قشلاقی تولید میشود و بنابر سنت، به عهده زنان است. آنان به صورت گروهی در حال گفتگو، قصه سرائی و خواندن اشعار محلی ورنی می بافند و زنان مسن شیوه کار را به جوانان یاد میدهند. این گلیم فرشمنما، بدون استفاده از هرگونه نقشه یا اشکال از پیش ترسیم شده و به صورت ذهنی توسط زنان و دختران عشایر دشت مغان و ایالت ارسباران بافته میشود. نقش هایی که در بافت ورنی به کار می رود، نشانگر شیوه زندگی و چگونگی بازنمود آن در شیوه نگرش بافندگان و برخاسته از احساس و ادراک آنها از زندگی و طبیعت پیرامونی است. نگاره های نقش شده در متن، نمادهایی رمزگذاری شده از زندگی و تجربه زنان در بافت جامعه ایلاتی است که متأثر از موقعیت زمانی و مکانی مفاهیم و موضوع های گوناگونی را شامل می شود. ورنی بافی سهم فراوانی در ایجاد جایگاه خاص برای زنان در خانواده و موقعیت دختران در ازدواج داشته و هنر بافندگی زن منبع درآمد مهمی برای همسر او و نقشی اساسی برای بهبود وضعیت معیشت خانواده دارد. از نکات مثبت و شاخص هنر ورنی بافی می توان به فراوانی نیروی کارآمد و ماهر به عنوان بافنده، وجود مواد اولیه و امکان تامین آن در منطقه، سنتی و بومی بودن شیوه تولید، تنوع رنگها، نقشمایه ها و نقشه ها برشمرد. ورنی عموماً در قشلاق عشایر کوچرو که حجم کاری کمتری دارند توسط زنان و دختران بافته می شود. به همین سبب بیشتر نقوش و رنگ آمیزی ورنی های بافته شده در میان عشایر کاملاً متأثر از فرهنگ، باور و روحیات آنها و در میان روستائیان، متشکل از موتیفهای روستایی، ثابت و شناخته شده است که در قالب نقشه های شکسته و هندسی متصور می شود.

بررسی سنگ مزارات روستای آس با نقوش ورنی بافی

روستای آس دارای بقعه ای شش ضلعی با مصالح سنگی است که منسوب به سده ششم هجری می باشد که تخریب شده و از بین رفته است. این بقعه، نقش مهمی را در شکل گیری گورستان به دور خود داشته که آثاری را از دوره ایلخانی تا قرن سیزدهم هجری در دل خود جای داده است (تصویر ۱).



تصویر ۱: نمای کلی از گورستان روستای آس کلیبر (تصویر از نگارنده)

فرم کلی سنگ مزارات روستای آس مستطیلی است و ابعاد آنها از 50×100 سانتی متر تا 120×150 سانتی متر قابل تغییر است. سنگ مورد استفاده در سنگ مزارات از نوع آهکی بوده و از کوههای خود این منطقه آورده شده اند. سنگ مزارات، این گورستان را براساس نقوش، در یک تقسیم بندی کلی می توان، در دو دسته تقسیم بندی نمود که تصاویر آنها در جدول ۱ ارائه شده است:

۱. سنگ مزارات با نقوش کتیبه ای: تعداد ۲۶ عدد سنگ مزار کتیبه دار در این گورستان به چشم می خورد. جهت نوشتن

کتیبه، پس از تسطیح سازی و ایجاد کادر با نقوشی شبیه نقش ورنی (مثلث های آویخته)، کتیبه در بین کادر نوشته شده است (تصویر ۱). در تعدادی از نمونه ها کادرهایی (به تعداد ۵ عدد) شبیه به طرح طاق های جناغی مساجد ایجاد شده و هر کدام از نوشته ها در درون یکی از این کادرها نوشته شده است. شروع تمامی کتیبه ها با آیه شریفه (کل من علیها فان) (سوره الرحمن آیه ۲۶) است و در روی برخی از آنها به همراه این آیه، شعری از سعدی نیز نوشته شده است:

آنکه آمد به جهان فنا خواهد بود آنکه پاینده و باقیست، خدا خواهد بود (سعدی)

یکی از نکات برجسته سنگ مزارات کتیبه دار روستای آس این است که، علاوه بر آیه و بیت فوق، نام شخص متوفی به همراه تاریخ فوت آن به تاریخ عربی نوشته شده است. در برخی از موارد در اطراف کتیبه نقوش هندسی نمادین نیز به چشم می خورد.

بنا به عقیده الوانساز خویی قدیمی ترین تاریخ ذکر شده متعلق به ۱۰۰۹ ه.ق است (الوانساز خویی، ۱۳۹۰، ۳۱۶) این در حالی است که در یکی از سنگ مزارات تاریخ ۱۰۰۷ هجری نیز آمده است.

۲. سنگ مزارهای دارای اشکال مختلف: نوع دیگری از سنگ مزارات فاقد کتیبه بوده و با اشکال مختلفی از قبیل نقوش اشیاء، حیوانی، انسانی و هندسی تزئین شده اند.

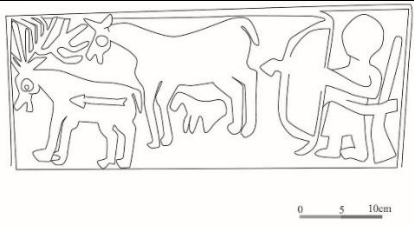
الف) نقوش انسانی: در سنگ مزاراتی با نقوش انسانی در هر گوری، متناسب با شغل شخص متوفی شخص در حال شکار، در حال ساقی گری، در حال نوازندگی، در حال زراعت به تصویر درآمده است. نکته قابل توجه اینکه در سنگ افراشت هر قبری فقط شخص متوفی در ارتباط با یک پیشه به تصویر درآمده است. در ترسیم اندام و چهره شخص دقت چندانی نشده و همه اشخاص به یک فرم تصویر شده اند. صورت و بدن از روبرو و پاها از جانب به تصویر درآمده اند. ابرو و بینی به هم پیوسته شده و تلاشی در ترسیم لباس شخص صورت نگرفته است. شواهد تفکیک بین زن و مرد در این گورستان از روی ابزارات همراه شخص می باشد که برای مردان ابزارالاتی متناسب با نیروی کار مردانه ترسیم شده است، پاجه شلوار زنان نسبت به مردان پایین تر آمده است و همچنین آستین زنان چین دار در حالیکه آستین مردان ساده ترسیم شده است.

ب) نقوش حیوانی: نقوش حیوانی را می توان در دو دسته کلی حیوانات اهلی و وحشی دسته بندی نمود. حیوانات اهلی از قبیل: اسب، گاو، بز، گوسفند و سگ و غیراهلی از قبیل آهو و بز وحشی هستند. در ترسیم حیوانات نیز دقت کافی صورت نگرفته و منحصر از طریق فرم می توان نوع آنها را از همدیگر تفکیک کرد.

ج) نقوش اشیاء: در روی برخی از سنگ مزارات اشیاء مختلفی مرتبط با شغل متوفی ترسیم شده است. تجهیزات مرتبط با ورنی بافی و بافندگی (از قبیل: دوک، دار ورنی، شانه بافندگی، قیچی، چاقو)، تجهیزات مرتبط با کشاورزی (از قبیل: خیش، توخماق)، تجهیزاتی مرتبط با جنگاوری و شکار (از قبیل: تیر و کمان، خنجر و گرز) در روی سنگ مزارات وجود دارد. نکته قابل توجه این است که در تمامی سنگ مزارات متعلق به مردان نوعی جام شبیه به ساغر یا به نوعی آفتابه لگن به چشم می خورد.

د) نقوش هندسی: در این گورستان، سنگ مزارهایی به چشم می خورند که بر روی آنها خبری از کتیبه و اشکال مختلف نیست بلکه کل سطح سنگ مزار با انواع مختلفی از نقوش هندسی نمادین مورد تزئین واقع شده است.

جدول ۱: نقوش تزئینی سنگ مزارات گورستان آس کلیبر (نگارنده)

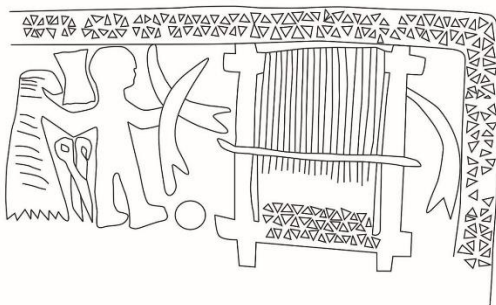
ردیف	نوع نقش	تصویر
۱	کتیبه ای	
۲	انسانی: در حل شکار، در حال کشاورزی	
۳	نقوش حیوانی	
۴	نقوش هندسی	

ورنی بافی بر روی سنگ مزارات روستای آس:

قبر متعلق به زنان از طریق سنگ مزارات نسبتاً ظریف و کوچک از سنگ مزارات مردان قابل تشخیص می باشد. بر روی سنگ مزارات متعلق به زنان نقوشی مرتبط با مشاغل زنانه به چشم می خورد. بر روی این نوع سنگ مزارات نقوش مرتبط با بافندگی از قبیل دار ورنی و تجهیزات مرتبط با آن از قبیل: قیچی، چاقو، شانه بافندگی و دوک به چشم می خورد.

سنگ مزارات با نقش ورنی بافی در سه دسته قابل مطالعه هستند:

۱. در تعداد ۵ نمونه، نقش فرد متوفی (زن) در کنار دار ورنی و در حین کار با تجهیزات ورنی بافی به چشم می خورد. در این نوع از نقوش، فرد در یک دست خود دفته و در دست دیگر خود پشم را به همراه دارد و رو به ورنی ایستاده است (تصویر ۲، طرح ۱). شیوه ارائه تصاویر انتزاعی هست و به نظر می رسد سبک پرسپکتیو گزینشی برای ارائه تصاویر اشخاص رعایت شده است. بدین شکل که سر، دست ها و پاها بصورت دو بعدی و سینه از روبرو ترسیم شده است. هنرمند جهت مشخص کردن نوع جنسیت فرد متوفی، به ترسیم فاق بلند شلوار نسبت به فاق کوتاه مردان و همچنین آستین های گشادتر زنان نسبت به مردان بسنده کرده و به نحوی گویا، جنسیت را مشخص نموده است.



طرح ۱: تصویر شخص متوفی در کنار دار ورنی در حین فعالیت، بر روی گور آس

کلیبر (طرح از نگارنده)

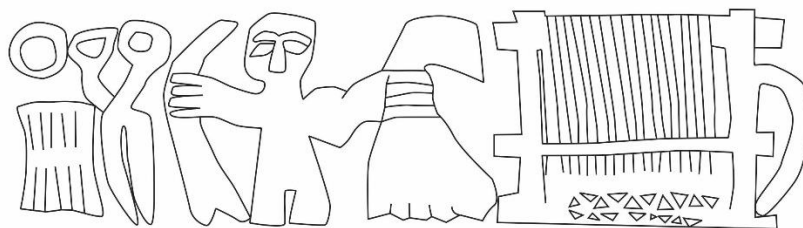
تصویر ۲: تصویر شخص متوفی در کنار دار ورنی در حین فعالیت، بر روی گور آس کلیه

(تصویر از نگارنده)

در یک نمونه، کل بدن شخص از روبرو ترسیم شده و مجدد شخص در دستان خود ابزارهای بافندگی را به همراه دارد (تصویر ۳، طرح ۲). نکته جالب توجه و مشترک در تمامی سنگ مزارات با نقوش مرتبط با ورنی بافی وجود یک نقش هندسی به شکل مثلث آویخته روی دار ورنی به عنوان نقشمایه ورنی هست که است که این نوع نقش، در حاشیه تزئینی تمامی قبور تکرار شده است. حتی در قبور متعلق به مردان با پایگاه های اجتماعی گوناگون نیز از همین نقش قالی به عنوان نقش حاشیه تصاویر، استفاده شده است که نشان از جایگاه والای ورنی بافی در میان مردمان آن دوره این منطقه می باشد.



تصویر ۳: تصویر شخص متوفی در کنار دار ورنی در حین فعالیت، بر روی گور آس کلیبر (تصویر از نگارنده)



طرح ۲: تصویر شخص متوفی در کنار دار ورنی در حین فعالیت، بر روی گور آس کلیبر (طرح از نگارنده)

۲. در تعداد ۴ نمونه، فقط به ارائه دار ورنی بافی به همراه تجهیزات مرتبط با ورنی بافی بسنده شده و بافنده حضور ندارد (تصویر ۴).



تصویر ۴: تصویر دار ورنی، بر روی گور آس کلیبر (تصویر از نگارنده)

۳. در تعداد ۱۱ نمونه، علاوه بر اینکه از سنگ کوچکتر و نامرغوبتری استفاده شده است، بلکه در ترسیم نقوش دقت بیشتری نشده است و به ترسیم خطوطی از نقوش از قبیل: تجهیزات بافندگی و ریسندگی بسنده شده است. در این نوع سنگ مزارات نه تنها تصویر فرد بافنده وجود ندارد بلکه دار ورنی بافی نیز نقش نشده است. این تغییرات به شکل معناداری سه پگاه اجتماعی متفاوت را برای بافندگان ورنی نشان می دهد. بدین صورت که برای شخصی با پایگاه اجتماعی بالاتر نه تنها از سنگ مزار بزرگتر و با کیفیت تری استفاده شده است بلکه در ترسیم نقوش دقت بیشتری شده و شخص بافنده نیز حضور دارد. طبقات پایین تر سنگ قبرها کیفیت پایینتری داشته و نقش بافنده حذف می شود (تصویر ۵، ۶، ۷ و ۸).



تصویر ۶: تصویر ابزارلات مرتبط باورنی بافی، بر روی گور آس کلیبر (تصویر از نگارنده)



تصویر ۵: تصویر ابزارلات مرتبط باورنی بافی، بر روی گور آس کلیبر (تصویر از نگارنده)



تصویر ۸: تصویر ابزارلات مرتبط باورنی بافی، بر روی گور آس

کلیبر (تصویر از نگارنده)



تصویر ۷: تصویر ابزارلات مرتبط باورنی بافی، بر روی گور آس کلیبر

(تصویر از نگارنده)

نتیجه گیری

یکی از نکات برجسته سنگ مزارات با نقوش ورنی بافی روستای آس، ترسیم تجهیزات مورد استفاده ورنی بافی بر روی سنگ مزارات هست. بر روی تعدادی از سنگ مزارات نقوش مرتبط با ورنی بافی ترسیم شده است که نشان از جایگاه رفیع این حرفه در مقایسه با سایر حرفه های مشاغل زنانه می باشد. این نقوش گویای پیشینه غنی ورنی بافی در منطقه ارسباران بوده و کتیبه های روی برخی

از این سنگ مزارات قدمت آنها را تا دوره صفویه به عقب برمی گردانند. این سنگ مزارات نه تنها شواهدی از ورنی بافی در منطقه ارسباران را ارائه می دهند بلکه شواهدی عینی و مستقیم از تجهیزات مورد استفاده در ورنی بافی این دوره در منطقه مورد مطالعه را نیز به نمایش می گذارند. براساس مطالعه نمونه های انتخابی، تعداد ۱۰ نمونه تجهیزات مرتبط با ورنی بافی بر روی این سنگ مزارات ترسیم شده است که تعدادی از آنها به دلیل اینکه با تغییراتی فرمی جزئی امروزه نیز مورد استفاده هستند قابل شناسایی ولی تعدادی نیز به دلیل تغییرات فرمی که طی سالیان زیاد به خود دیده اند نوعشان قابل تشخیص نمی باشد. براساس نقوش سنگ مزارات روستای آس، دار ورنی مورد استفاده از نوع دارهای عمودی چوبی است. سر دار و زیر دار که بصورت دو چوب استوانه ای متحرک به فاصله های مورد نظر موازی هم و عمود بر ستونها که چله آنها را در بر می گیرد. کجی چوبی لوله ای شکل به طول قطعه «سردار» که در بالای قسمت بافت شده قرار میگیرد و موجب جدا شدن تارهای زوج، فرد از همدیگر میشود تا بتوان القاج را از میان آنها عبور داد. در روی سنگ مزارات روستای آس، در کنار دار ورنی و تجهیزات مرتبط با آن یک نوع چاقوی بدون دسته که به قدامه ای شیاردار ختم می شود، وجود دارد. نمونه ای ابتدایی از قلاب مورد استفاده در ورنی بافی در گورستان آس کلیبر ترسیم شده است. براساس شواهد برجای مانده، ورنی بافان روستای آس از یک نوع دفتین دو شاخ که در قسمت انتهایی از ضخامت آن کاسته می شود استفاده می کرده اند. این دفتین مشابه نمونه هایی است که امروزه

نیز در بین جامعه روستایی و عشایری مورد استفاده قرار می گیرد. شانه نقش شده بر روی سنگ مزارات آس، شانه های دنداندار بوده که هر دو جانب آن دارای دندانده بوده است.

منابع

۱. بارتولد استاد و، (۱۳۸۰). جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه حمزه سر دادور. چاپخانه اتحادیه تهران. تهران.
۲. بلیان اصل، لیدا، دوستار، فهیمه، (۱۳۹۴). بررسی تاثیر مزارات در توسعه ساختار شهری شهر تبریز از دوره ایلخانی تا صفویه. فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی. شماره هشتم. سال سوم. ۶۵-۹۰.
۳. حاجیلو، فتانه، امیر قاسمی، مینو، (۱۳۹۱)، نگاره های زندگی ایلات ارسباران در مفروشی به نام ورنی. پژوهش های انسان شناسی ایران. دوره ۲. شماره ۱. ۱۶۶-۱۴۹.
۴. حیدری، احمد، و ناصر نوروززاده چگینی، (۱۳۷۹). دخمه های دوران اشکانی و ساسانی در حاشیه زاگرس. مجله اثر (۳۱-۳۲) ۱۷-۳.
۵. دوستی، حسین، (۱۳۷۳). تاریخ و جغرافیای ارسباران. ناشر احرار. تهران.
۶. شاهمندی، اکبر، (۱۳۹۲). بررسی و مقایسه ی طشت آبهای قبور در آرامگاه های تخت فولاد و ارامنه اصفهان. هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی (۱) ۱۸، ۴۴-۳۳.
۷. عبدی، سمیه، ، سید جلال الدین بصام، عبدالله میرزایی، رحیم چرخ، (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل طرح و نقش در قالی های روستایی معاصر شهرستان اهر. گلجام. شماره ۲۷. ۷۷-۹۵.
۸. علی نژاد، روجا، (۱۳۹۳). سفیدچاه، نمایه ای فراتر از یک گورستان: شناخت و بررسی مضامین و نقوش تصویری گورستان سفیدچاه. هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی. (۲) ۱۹. ۴۹-۵۶.
۹. یاسمی، شاهین، (۱۳۹۳). ورنی بافی، هنر غریب عشایر قشلاقی. روزنامه شهروند. سال دوم. شماره ۳۶۱.
۱۰. شناخت ویژگیهای فنی و هنری ورنی آذربایجان شرقی و وضعیت فعلی ورنی بافی در استان، (۱۳۹۰). اداره کل پژوهش استان ها و خارج از کشور. واحد آموزش و پژوهش صدا و سیمای مرکز آذربایجان شرقی.
۱۱. میر جعفری، حسین، بزاز دستفروش، مهدی، (۱۳۸۸). مزارات چرنداب تبریز. متن شناسی ادب فارسی. دوره ۱. شماره ۴. ۴۲-۱۹.
۱۲. میر جعفری، حسین، بزاز دستفروش، مهدی، (۱۳۹۱). مزارات بیلانکوه تبریز. پژوهش های تاریخی. دوره ۴. شماره ۴. ۲۲-۱.

۱۳. کبیر صابر، محمدباقر، (۱۳۹۱). آثار سنگی تمدن اسلامی در گورستان آرامنه تبریز (ریشه یابی و تبیین دلایل وجودی).
باغ نظر. دوره ۹. شماره ۲۳. ۷۵-۸۲.

۱۴. کاظم پور، مهدی، عمرانی، بهروز، رضالو، رضا، (۱۳۹۱). نگرشی نو به گورهای کلان سنگی آذربایجان شرقی براساس
یافته های محوطه زردخانه، مطالعات باستان شناسی دانشگاه تهران، دوره ۴ شماره ۱؛ ۷۴-۵۵.

۱۵. محمدی، تراب، (۱۳۹۲). مرمت گنجینه ای از مقبره ی عرفاء و بزرگان در گورستان شادباد مشایخ تبریز. تبریز:
آرشیو میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی.

۱۶. لباف خانیکی، رجبعلی، (۱۳۶۹). سنگ افراشته های مزارات باخزر. اثر (۱۸-۱۹)، ۹۳-۱۱۲.

همایش ملی فرش
و نیازهای معاصر
آبان ۹۷